

آیا انگلیس موافق دیکتاتوری در ایران بود؟

۲۱ آذر ۱۴۰۱ ساعت ۲۰:۳۸

در انگلستان چمبرلین وزیر خزانه‌داری و ستایشگر موسولینی همیشه می‌گفت اگر بنا باشد بین هرج و مرج و دیکتاتوری یکی را انتخاب کند؛ انتخاب او قطعاً دیکتاتوری خواهد بود

روی کار آمدن رضاخان مرهون تلاش‌های گسترده برخی از حامیان داخلی و خارجی او بود که مدام شعار لزوم دیکتاتوری منور برای ایجاد ثبات در ایران را سر می‌دادند. جالب آنجاست که خود این افراد و گروه‌ها از عاملان اصلی بی‌ثباتی در ایران نیز بودند. «انگلیسی‌ها از رضاخان، این قزاق بی‌سواد، بیسمارک و میچی و پترکبیر ساختند، او را تا حد نادرشاه افشار ارتقا دادند، شعرا در مدحش شعر سرودند، خوانندگانی مثل عارف قزوینی به افتخارش کنسرت دادند و تصنیف مرغ سحر اجرا کردند و نسل دوم روشنفکران بعد از مشروطه مثل علی‌اکبر خان داور، علی‌دشتی و امثالهم زمینه‌های ایدئولوژیک استقرار او را بر سریر سلطنت مهیا ساختند. اینان از ضرورت «استبداد منور» سخن به میان آوردند، مشروطه و شعارهای آن را به باد سخره گرفتند، تجدد ایران را در گرو تسلط دیکتاتوری دانستند تا مردم را «به زور تو سری» اروپایی کند، روزنامه‌هایی مثل مرد آزاد، نامه فرنگستان و شفق سرخ راه را برای فراگیر شدن این تفکر فراهم ساختند؛ مردم را ترسانند که اگر رضاخان برود غول کمونیسم ایران را خواهد بلعید و آنگاه دیگر نه نظم باقی خواهد ماند، نه امنیت و نه مذهب. عملاً از درون این پندارها نظریه دیکتاتور زورمند مرتجع زاده شد که کاملاً با سناریوی انگلیسی‌ها سنخیت داشت. این گرایش البته ریشه‌ای پاپرجا در خارج کشور داشت. در انگلستان چمبرلین وزیر خزانه‌داری و ستایشگر موسولینی همیشه می‌گفت اگر بنا باشد بین هرج و مرج و دیکتاتوری یکی را انتخاب کند؛ انتخاب او قطعاً دیکتاتوری خواهد بود، اما وی نگفت در مورد ایران این سیاست‌های رسمی و غیررسمی انگلستان بود که باعث هرج و مرج به ویژه در دوره بعد از مشروطه شد و این همه برای آن صورت گرفت تا ضرورت استقرار دیکتاتوری در کشور را توجیه نمایند.»

منبع: حسین آبادیان، ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵، صص

۲۴- ۲۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49016/آیا-انگلیس-موافق-دیکتاتوری-مورد-ایران-بود>